

یادداشتی از محمد ناصریراد؛

نقد فیلم کوتاه «گوشت تلخ» ساخته ی فرید حاجی

امیرکاستاریکا، فیلمساز شهیر اهل بوسنی معتقد است فیلم کوتاه "گوشت تلخ"، تمام معیارهای فیلم کوتاه را با خود در بر دارد .

به گزارش خبر، محمد ناصریراد در یادداشت ارسالی با موضوع "نقد فیلم کوتاه «گوشت تلخ» ساخته ی فرید حاجی" به پایگاه خبری گزارش خبر آورده است؛

در اینجا به بررسی فیلم کوتاه "گوشت تلخ" ساخته ی فرید حاجی، به صورت مبسوط از سه منظرگاه خود فیلمساز، فرم و مضمون به آن میپردازم .
گوشت تلخ، فرید حاجی(آخرین لقمه)

۱) فرید حاجیفرید حاجی، فیلمساز جوان، جسور، پرتلاش و خوش آتیه ی اهل محله ی نظام آباد تهران و فارغ التحصیل مقطع کارشناسی ارشد از دانشگاه علامه در رشته ی روانشناسیست و این روزها مشغول مراحل پس از تولید آخرین اثرش به نام "لَه" است، در چهارمین فیلم حرفه ای اش سراغ سوژه ای نو در دل قصه ای معماگونه می رود و جسورانه به آن میپردازد .
اثری که به قول امیرکاستاریکا فیلم ساز شهیر اهل بوسنی، تمام معیارهای فیلم کوتاه را با خود در بر دارد .

۲) فرم (نماهای بسته و تعقیبی)

فیلمی پُر رنگ و لعاب، زنده و با کنتراست بالا به همراه نماهای بسته، روی دست و تعقیبی بسیار با بهره گیری از لنزهای تله که همه و همه فضایی طراحی میکند تا شخصیت اول فیلم (هرمز) با ظاهر و شمایل قُربه را در محاصره، تنگنا، تعقیب و تحت نظر به نظاره بنشینیم و این به نوعی برای ما فیلم های داردن های بلژیکی و آثار درخشان فیلمسازان جنوب شرقی آسیا را تداعی میکند .
در این اثر از عناصر بصری متنوعی نظیر صحنه پردازی، نور و رنگ زرد، قرمز و آبی به درستی استفاده شده و لرزش دوربین (هر چند به صورت ناخواسته) التهاب و استرس شخص اول فیلم را به مخاطب، منتقل کرده و اتمسفر کلی آشپزخانه دانشکده، فضایی شبیه به غسلخانه های بیمارستان و اتاق های تشریح هولناک پزشکی قانونی را برایمان تداعی گر میشود.

ویژگی منحصر بفرد این اثر که به زعم من شاهکار است، آنجاست که فیلمساز بالعکس جریان رایج و فرهادی زده در یک دهه ی اخیر به جز در صحنه ی پایانی که بسته ی گوشتی از جیبش بیرون آورده و همین اکت، نقش بسزایی در پایان بندی اثر ایفا میکند، مسئله ای برای مخفی کردن نداشته و سر راست قصه اش را برایمان میگوید .

دوربین در همه جای فیلم به هرمز چسبیده، لحظه ای از او غافل نشده و همین باعث یکدستی روایت اثر شده و نشان میدهد که کارگردان به آن درستی بر این امر اشراف کامل دارد . فیلم در نمای آغازین از روی گوشت های در حال شَرَح شَرَح شدن روی میز تشریح مملو از گوشت آشپزخانه شروع شده و با تیتلی (حرکت عمودی دوربین در محور ثابت) به سمت بالا محیط آشپزخانه را برای ما تفسیر میکند، این حرکت عمودی دوربین درست در پلان آخر فیلم تکرار میشود، جایی که هرمز بر سر سفره ی شام آخرش نشسته و آخرین لقمه ها را حریصانه تناول کرده و میبلعد .
از تدوین دقیق فیلم هم نباید غافل شد و تداوم نگاه های خیره در سکوت نیم رخ های بُحرانی و تماشایی کاراکترهای نابازیگرش را نتیجه هوش و فراستِ تدوینگر و ایضاً کارگردان برشمرد .

۳)مضمون (سقوط اخلاق اجتماعی)

در آغاز ضمن بیان عدم یافتن رابطه ی معنایی در وجه تسمیه این فیلم یعنی "گوشت تلخ" که به معنای بد اخلاق و ترش روست با محتوای کلی این اثر، میتوان مضمون فیلم را از این منظر متفاوت و جسورانه دانست که با نگاهی تلخ و گزنده به سقوط اخلاقیات در جامعه ی امروزی اشاره دارد، شاید مراد فیلمساز از انتخاب "گوشت تلخ" همین باشد.

همگان نیک میدانیم در جامعه ی مدرن امروزه آدمیزاد یا گرگ است یا گوسفند برده صفت، یا میدرد یا دریده میشود، اما جایگاه اخلاق و انسانیت در این جامعه ی باصطلاح مدنی و نظم نوین یافته به کدام قَهقرا سقوط کرده است؟

مگر نه آنکه تا جامعه ای اخلاقی نباشد، آن جامعه مدنی هم نخواهد بود. پذیرش مدنیت اجتماعی بدان جهت است که اخلاقی تر است، پس چطور میتوان بدون داشتن اخلاق به مدنیت دست یافت؟

هر جامعه ای اگر ستون اصلی اش(اخلاقیات) را ببازد و از آن محروم گردد، دقیقا چه گزاره ی قابل اتکایی برایش باقی میماند؟ سرانجام به کدام بیراهه و یا اَبَر چاله سقوط خواهد نمود؟ نتایج این سقوط برای توده ها چیست؟

جامعه ای را در مقابل ایستاده ایم که چنانچه بالای سر بشر مثلا مدرن امروزه اش نظارتی نباشد، بی شک همگان درصدد تخلف بر خواهند آمد و دقیقا در این فیلم به خوبی به این مسئله ی بغرنج اجتماعی پرداخته شده است؛ به عنوان مثال در قسمتی از فیلم هرمز به ناچار گوشت ها را در آشپزخانه سر جایشان قرار میدهد و با حرکت افقی دوربین حجم عظیمی از بسته ای گوشت را در قفسه های بزرگ میبینیم و این درست در تضاد با صحبت های مامور حراست است که میگوید: "برای پخت و پز گوشت ها کم میاد"، خود این گفته ثابت میکند که به جز هرمز، افراد دیگری با روش های شخصی و ابداعی خودشان، از آنجا بهره های غیر اخلاقی و البته قانونی برده، میبرند و خواهند برد و این مهم، در صورت عدم نظارت برای همه جا قابل تعمیم است .

و در پایان فراموش نکنیم تا زمانیکه جامعه ای از منظر اخلاق انسانی، تعهد نداشته باشد وقوع هر جنایتی و زیر پانهادن قانون و مهمتر از آن نادیده انگاشتن عدالت، بعید که نبوده هیچ بلکه یک امر طبیعی و عادی قلمداد خواهد شد و امید داشتن به آینده ای روشن و برخوردار از کرامت و ارزش انسانی، انتظاری بیهوده است.

امید است در آثار بعدی فرید حاجی دوباره و دوباره از سقوط اخلاق در جامعه برایمان واگویی کرده و با سلیلی های محکمی گوش های پُر شده از خزعبلاتمان را نوازش کند.